

نقد گونه‌شناسی شهادت در دعای دوم صحیفه سجّادیه از دیدگاه چهار شارح

کریم علی محمدی (استادیار دانشکده الهیات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان) (نویسنده مسئول)
karim110_ali@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱)

چکیده

صحیفه سجّادیه، مشتمل بر پنجاه و چهار دعا از امام سجّاد (ع) است که با برخورداری از محتوایی بلند و متقن، یکی از منابع شناخت معارف دینی به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر، فرازی از دعای دوم آن بررسی شده، آن جا که حضرت، عظمت امامان را بیان و ایشان را شاهدان بر حقایق رسالت پیامبر در برابر منکران رسالت توصیف کرده است. این فراز، ناظر بر آیات ۴۳ سوره رعد و ۱۷ سوره هود است که امامان را هم‌چون انبیای پیشین، مصدّق رسالت و همانند قرآن، دلیل نبوت پیامبر خاتم معرفی می‌کند. از سویی، طبق حدیث متواتر ثقلین، برابری امامان با قرآن اثبات می‌شود که قرآن، معجزه و شاهد رسالت است. بنا بر این، همین شأن قرآن را امامان نیز دارند. پس نظر شارحانی که مراد از شهادی رسالت در این فراز را شاهدان اعمال یا الگوی امت دانسته‌اند، ناتمام است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی، اقوال شارحان را در این زمینه نقد کرده است.

کلیدواژگان: صحیفه سجّادیه، دعای دوم صحیفه، شهادی رسالت، شارحان صحیفه.

۱. مقدمه

یکی از منابع شناخت کلام الهی در قرآن، سخنان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم است؛ چون خداوند متعال، پیامبرش را در آیات قرآن، مبین و مفسّر معرفی کرده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ».

(نحل: ۴۴) به همین مناسبت، پیامبر، مجملات قرآن را در مورد احکام عبادی، اخلاقی و اعتقادی بیان کرده است. آن حضرت، امامان معصوم را در غدیر خم و حدیث ثقلین و دیگر روایات، مرجع علمی و اجرایی در جامعه اسلامی بعد از خود قرار داده است. از سوی دیگر، یکی از راه‌های شناخت امام حق، توجه به سخنان آن‌هاست؛ زیرا سخنان آنان، شارح قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ است.

بر همین اساس، یکی از منابع متقن تفسیری، صحیفه سجادیه کامله امام سجاد ﷺ است که از ۵۴ دعا تشکیل شده و به «زبور آل محمد» موصوف است. هر یک از دعاها به موضوعات متنوعی پرداخته است. در دعای دوم، عظمت وجودی پیامبر اسلام، تاریخی فشرده از زندگی پیامبر اکرم ﷺ، برخورد دشمنان و مؤمنان و جایگاه عترت پیامبر بیان شده است. در فراز دوم این دعا، امام سجاد ﷺ به خدای متعال عرضه می‌دارد: «فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ ذُرِّأٍ وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَكَثَّرَنَا بِمَنْهُ عَلَى مَنْ قُل». شارحان این بند را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند، به ویژه هر شارحی، جمله «وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» را به آیات مختلف استشهاد کرده است. در این میان، سخن امام با توجه به آیات ۴۳ سورة رعد و ۱۷ سورة هود، نکاتی را بیان کرده است که شارحان نگفته‌اند.

امام سجاد ﷺ در نخستین بخش، پس از ستایش خداوند متعال در برابر نعمت‌های زیبایی که در دعای اول اشاره کرده بود، به نعمت باعظمتش که همان وجود بابرکت پیامبر است، در دعای دوم اشاره می‌کند و خداوند متعال را سپاس می‌گوید. سرآغاز دعای دوم با «واو» عاطفه است. از این رو، برخی شارحان گفته‌اند: دعای دوم، ادامه دعای اول است. (مدنی، ۱۴۱۵: ۴۲۷/۱؛ فهری، ۱۳۸۸: ۱۳۲/۱) در این بخش، امام زین‌العابدین ﷺ، جایگاه امامان را به عنوان شاهدان رسالت و خاتم مخلوقات که از کثرت برخوردارند، معرفی می‌کند.

سپس نگاهی اجمالی و پرمعنا به زندگی پیامبر خدا ﷺ می‌اندازد که چگونه در دعوت خود، گرفتار مشکلات بود. حتی جمع کثیری از نزدیکان و بستگانش بر ضد او قیام کردند، ولی او، هدفش را فدای پیوندهای خویشاوندی نکرد. سپس به هجرت پیامبر اشاره می‌کند که برای حفظ دعوتش ناچار شد از وطن خود، مکه چشم‌پوشد که به آن سخت علاقه‌مند بود و به دیار غربت و دور از خویشاوندان

خود برود. در ادامه، به جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ و پیروزی‌های آن حضرت اشاره کوتاهی دارد. آن گاه با دعایی پرمعنا، نسبت به پیامبر اکرم ﷺ و تقاضای درجات عالیه برای آن حضرت و تمنای شفاعتش، سخن خود را پایان می‌دهد.

هدف مقاله حاضر، بررسی و نقد تفسیر شارحان صحیفه سجادیه نسبت به فراز «فَخْتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مَنْ ذَرَأَ وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ كَثَرْنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قُلْ؛ به وسیله ما، همه مخلوقات را پایان داد و ما را شاهدان بر هر کسی قرار داد که انکار (رسالت) کند و ما را با منّتی که بر (ما) نهاد، بر کسی که اندک بود، فزونی بخشید.» انتخاب نظر مناسب با استفاده از قراین مفصل و متصل از آیات و متن دعای دوم است. گفتنی است که مقاله حاضر پیشینه ندارد و تنها شارحان صحیفه سجادیه، دعای حاضر را تفسیر کرده‌اند و تحقیق مستقلی در مورد این فراز از دعای یادشده انجام نشده است. بسیاری از شروح صحیفه سجادیه بررسی شد که اقوال یادشده در این مقاله، بیان همه آنهاست.

۲. تبیین فراز «فَخْتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مَنْ ذَرَأَ وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ كَثَرْنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قُلْ»

امام سجاده علیه السلام در این فراز عرض می‌کند: «خداوند به وسیله ما همه مخلوقات را پایان داد و ما را شاهدان بر هر کسی قرار دارد که انکار (رسالت) کند و ما را با منّتی که بر ما نهاد، بر کسی که اندک بود، فزونی بخشید.» در بحث حاضر، اقوال شارحان صحیفه سجادیه را در شرح این فراز از دعا بررسی و هر کدام را نقد می‌کنیم:

۱- ۲. بررسی اقوال شارحان

شارحان صحیفه سجادیه در مورد فراز دوم دعای دوم، مطالب متنوعی گفته‌اند که از چهار منظر قابل طرح است:

۱. هر سه جمله، اشاره به امت اسلامی است که خاتم امت‌ها، الگوی دیگر امم و دارای کثرت حقیقی هستند. به آیاتی هم استدلال کرده‌اند که توضیح داده می‌شود.

۲. هر سه جمله، اشاره به امامان معصوم است. آنها را شاهدان اعمال دانسته و به آیه شاهد اعمال استناد کرده‌اند.

۳. جمله اول و سوم را به امت اسلامی و جمله دوم را به شاهدان اعمال نسبت داده اند.

۴. جمله اول و سوم، اشاره به خاتمیت امت اسلامی و کثرت آنها و جمله دوم، اشاره به شاهد اعمال بودن امامان معصوم است.
در مورد کیفیت شهادت، سه احتمال داده است:

قول یکم - مکارم و همکاران

تعبیر به خاتمیت در عبارت دعا: «فَحْتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مَنْ ذَرَأَ»، اشاره به خاتمیت امت اسلامی است که آن، خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در پی دارد. جمله «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» نیز از این آیه برگرفته شده است: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ؛ از آیین پدرتان ابراهیم، پیروی کنید. خداوند، شما را در کتاب های پیشین و در این کتاب آسمانی، «مسلمان» نامید تا پیامبر، گواهی بر شما باشد و شما، گواهانی بر مردم». (حج: ۷۸)

افتخار بزرگی است که امت اسلامی، گواهان امم دیگر در دنیا یا آخرت باشند. خواه «گواه» به معنای شاهد بر اعمال باشد یا به معنای الگو و معیار سنجش. جمله «وَكثَرْنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قَلَّ» نیز می تواند اشاره به کثرت عددی باشد که خداوند در مدت کوتاهی، شمار مسلمانان را بر کفار فزونی داد، چنان که در فتح مکه، بعد از ایمان آوردن گروه مشرکان و به تعبیر قرآن: «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً»، (نصر: ۲) عدد امت اسلامی نسبت به عدد کفار که در گوشه و کنار بودند، بسیار فزونی پیدا کرد. بعد از پیامبر اسلام، حضور امت اسلامی تقریباً سراسر جهان را فراگرفت و کشورهای بزرگی مثل ایران، روم، مصر، یمن و شمال آفریقا به اسلام پیوستند. فزونی یا از نظر قدرت، علم و پیروزی است یا هر دو. هم چنین ممکن است اشاره به کثرت امت اسلامی، نسبت به امت های انبیای پیشین باشد که آنها در برابر اسلام، عدد خیلی محسوب می شوند. (مکارم و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۳/۲)

همین نظر (شهادت امت) را مغنیه در شرح خود بر صحیفه سجادیه بیان کرده، ولی آیه مورد استنادش: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ

شَهِيداً» (نساء: ۴۱) است. او با بیان روایتی از امام صادق علیه السلام تأکید می‌کند که در هر زمانی از امامان معصوم، شاهدی هست. (مغنیه، ۱۳۹۹: ۳۹)

قول دوم - فهری

ظاهر آن است که این سه جمله درباره اهل بیت است و دیگران را نرسد که چنین ادعایی کنند. جمله اول: «فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَنْ دَرَأَ»، اشاره به اتمام خلقت معنوی با امامان معصوم است؛ چون کامل‌ترین افراد بشر هستند. از این رو، اختصاص جمله دوم: «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» به آن وجودهای مقدس، ظاهرتر است؛ زیرا شهود به معنای حضور نزد عمل است. شاهد هم کسی است که حاضر و ناظر عملی باشد. بنا بر این، قرآن کریم، مقام والای شهادت را به عنوان برجسته‌ترین خطوط کمالی، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در نظر گرفته است: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً». (نساء: ۴۱) خداوند متعال از هر امت، شاهدی بر عقاید، اخلاق و اعمال آن‌ها قرار داده و پیامبر اسلام نیز شاهد شهادت است. امامان معصوم در هر زمانی، شاهد امت هستند و روایات بسیاری نیز بر شاهد اعمال بودن ائمه اطهار علیهم السلام دلالت می‌کنند. (فهری، ۱۳۸۸: ۱/۱۴۲)

قول سوم - مدنی و پیروان

سید علی خان مدنی در شرح جمله یادشده می‌نویسد: جمله اول و سوم، اشاره به امت اسلامی است؛ چون امت اسلامی، خاتم امم بوده و از همه امت‌ها هم زیاد هستند و جمله دوم: «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» به آیه شریفه: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً» (البقره: ۱۴۳) اشاره دارد. (مدنی، ۱۴۱۵: ۱/۴۴۷)

برخی شارحان نیز در مورد جمله یادشده، دو احتمال داده‌اند که در احتمال اول، تابع ریاض السالکین است، ولی در احتمال دوم گفته‌اند که هر سه جمله به امامان معصوم اشاره می‌کند و جمله دوم، شاهد اعمال بودن معصومین را می‌رساند و به آیه ۱۴۳ سوره بقره استناد کرده‌اند. (مدرسی چهاردهی، بی تا: ۵۷) احتمال دوم مدرسی همان نظر قول دوم است.

همین نظر در لوامع الانوار العرشیه فی شرح الصحیفة السجادیة بیان شده

است که می گوید این فراز به آیه «وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۱۴۳) اشاره دارد. (موسوی شیرازی، ۱۳۹۱: ۳۴/۲) انصاریان نیز مثل صاحب ریاض السالکین نظر داده است. (انصاریان، بی تا: ۳۶۲/۲)

قول چهارم - ممدوحی کرمانشاهی

در این فراز، امام سجاد علیه السلام، به دو مسئله بسیار مهم توجه داده است:

مسئله نخست - دین اسلام، دین خاتم است یعنی آخرین دینی است که خداوند متعال بر خلق نازل کرده است. جمله اول، اشاره به خاتمیت دین اسلام و نبوت پیامبر است: «ما كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولُ اللَّهِ وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». (احزاب: ۴۰)

مسئله دوم - نکته دیگری که حضرت سجاد علیه السلام در جمله «وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» به آن اشاره فرموده، این است که اعمال همه انسان ها تا روز قیامت در نظارت کامل امامان است و این نظارت به این معناست که:

الف) خرد و کلان رفتار مردم در سیطره احکام الهی قرار دارد و هر یک، محکوم به حکمی از احکام اسلام است.

ب) خداوند متعال به ارواح قدسی معصومان، علمی شامل و مطلق عنایت فرموده است که یکی از ویژگی های آن، آگاهی از رفتار و کردار بندگان است. پس ایشان از همه افعالی که از امت صادر می شود، آگاهند و روایات نیز همین مطلب را بیان فرموده است. امامان فرموده اند: «نَحْنُ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَيْنُهُ وَ حَيِّ اللَّهُ». (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۹۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۲۶)

ج) شاید مراد از جمله «وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» این باشد که اعمال امت در روز قیامت که «یوم البروز» و «یوم المشهود» نامیده شده است، به طور روشن آشکار می شود، چنان که قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ؛ روزی که همه نیک و بد خلق آشکار می گردد و هیچ کردار آنان بر خدا پنهان نمی ماند». (ممدوحی، ۱۳۸۳: ۲۷۱/۱ - ۲۷۲)



۳. ارزیابی و نقد اقوال چهارگانه

۱ - ۳. نقد مکارم و همکاران

در قول اول، سه اشکال مهم دیده می شود:

اشکال اول - ایشان، مفعول «ذَرَأَ» را امت ها گرفته است و فرمود: «تعبیر به خاتمیت در عبارت «فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ»، اشاره به خاتمیت امت اسلامی است که خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ را در پی دارد. در خاتمیت پیامبر اسلام شکی نیست، ولی این برداشت از عبارت امام سجاد علیه السلام صحیح نیست؛ چون مفعول «ذَرَأَ»، جمیع مخلوقات است. «ذَرَأَ» در لغت به معنی آشکار کردن مخلوقات است». (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ماده ذأ؛ قرشی، ۱۳۵۳: ۴/۲) با توجه به معنای «ذَرَأَ»، معنای عبارت چنین می شود: «به وسیله ما، همه مخلوقات را پایان داد.» با توجه به قرائن عقلی و نقلی، مراد، پایان بخشیدن به مخلوقات از جهات ظاهری و مادی نیست؛ چون در قرآن می فرماید: «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» (فاطر: ۱) و دستگاه آفرینش روز به روز در حال افزایش و گسترش است: «وَالسَّمَاءُ بَنِينَهَا بَاسِيَدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ». (ذاریات: ۴۷)

مراد از ختم، جهات و کمالات معنوی است که انسان کامل، کامل ترین موجود عالم خلقت است و دایره خلقت به او تکمیل است و شکی نیست که کامل ترین افراد انسان کامل، همانا اهل بیت عصمت و ائمه معصومین هستند. همان گونه که نور وجودشان، نخستین تجلی حضرت حق در عالم آفرینش بود، مکمل ساختمان خلقت نیز ایشان بودند: «بکم فتح الله وبکم بختم». (قمی، ۱۴۳۱: ۵۳۵؛ فهری، ۱۳۸۸: ۱۴۲/۱)

اشکال دوم - ایشان عبارت «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» را مستند به آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (حج: ۷۸) دانسته و گفته است که مراد از شاهد در آیه ۷۸ سوره حج، امت اسلامی است. خواه «گواه» به معنای شاهد بر اعمال باشد یا به معنای الگو و معیار سنجش.

اول این که امت اسلامی، شاهد نیستند، بلکه امامان معصوم، شاهدند؛ زیرا

بسیارند افرادی از امت اسلامی که فاسق و فاجرند و گواهی چنین افرادی در محکمه دنیا پذیرفتنی نیست، چه رسد به محکمه عدل الهی. افزون بر آن، گواه اعمال بودن مشروط به علم الهی است که شاهد از آن علم برخوردار باشد. هم‌چنین همه امت اسلامی برای دیگران الگو نیستند؛ چون سیر و سلوک بسیاری از مسلمانان شبیه کفار است. پس جمله یادشده، ناظر به همه امت اسلامی نیست، بلکه گروه خاصی را بیان می‌کند و آن، امامان معصوم هستند.

اشکال سوم - انکار منکران رسالت پیامبر، انکار فعلی است. از این رو، شهادت بر حقانیت رسالت هم باید شهادت در مقام ادا و بیان باشد تا حجت بر منکران ثابت شود. بنا بر این، شهادت در قیامت و معیار سنجش، حقانیت رسالت در دنیا را اثبات نمی‌کند. پس عبارت امام سجّاد علیه السلام به آیه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد: ۴۳) و آیه ۱۷ سوره هود اشاره دارد و ناظر به آیه ۷۸ سوره حج نیست. بنا بر این، شهادت در آیه ۴۳ سوره رعد و آیه ۱۷ سوره هود باید شهادت در مقام ادا باشد که علامه طباطبایی بر شهادت ادا تصریح کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۸۶/۱۱؛ ۱۸۴/۱۰)

۲-۳. نقد فهری

ایشان، جملات سه‌گانه را اشاره به امامان پنداشته، ولی شهادت در جمله «وَجَعَلْنَا شَهِدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ» را به معنای تحمل صحنه توسط گواهان اعمال دانسته است و به آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء: ۴۱) استناد کرده است. این در حالی است که شهدا به قرینه «جَحَدَ» و انکار مشرکان، به معنی اظهارکنندگان حقانیت رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و به آیه ۴۳ سوره رعد و آیه ۱۷ سوره هود اشاره دارد.

۳-۳. نقد مدنی و پیروان ایشان

قول سوم دارای دو اشکال است:

اشکال اول - ایشان، مفعول «ذَرَأَ» را در عبارت «فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مَنْ ذَرَأَ»، امم گرفته، در حالی که مرجع ضمیر در «ذَرَأَ»، جمیع مخلوقات است که در اشکال قول نخست، توضیح آن گذشت.

اشکال دوم - ایشان در جمله «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ مَنْ جَحَدَ»، «شهدا» را به معنی حفظ و تحمل اعمال گرفته و گفته‌اند که جمله حضرت به آیه «وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳) اشاره دارد. این در حالی است که عبارت صحیفه سجادیه بیانگر شهادت حقانیت رسالت پیامبر است و این شهادت در ردیف معجزات پیامبر اکرم ﷺ قرار دارد تا حجت بر منکران ثابت شود. جمله صحیفه سجادیه به آیه ۴۳ سورة رعد و آیه ۱۷ سورة هود اشاره دارد و حضرت از این آیات، شهادت امامان معصوم را اقتباس کرده است.

۴ - ۳. نقد ممدوحی کرمانشاهی

قول چهارم اشکال‌های گوناگونی دارد که به ترتیب بیان می‌شود:
اشکال اول - ایشان، مراد از «فَحْتَمَ» را خاتمیت در دین بیان کرده است، در حالی که مفعول «ذَرَأَ»، ضمیری است که به کلمه «جميع» در عبارت «فَحْتَمَ بِنَا عَلَىٰ جَمِيعٍ مِّنْ ذَرَأٍ» برمی‌گردد. در آن جمله، از خاتمیت دین اسلام سخنی به میان نیامده، بلکه سخن از خاتمیت امامان معصوم است که آن هم با توجه به آیات و روایات، مراد از خاتمیت، خاتمیت در کمال معنوی است

اشکال دوم - ایشان در عبارت صحیفه سجادیه، گواهان اعمال را به معنای حفظ اعمال و ادای آن‌ها در قیامت دانسته، در حالی که انکار فعلی، مقتضی شهادت فعلی است و آن هم با بیان فعلی حقانیت رسالت هماهنگ است.
اشکال سوم - در قول چهارم، نظارت امامان را به سه احتمال تقسیم کرده که احتمال اول و دوم، بدون دلیل و مخالف متن کلام امام سجاد ﷺ و آیات قرآنی است. چون امام، شاهد بودن خودشان را بیان کرده است، مراد از شهادت، حاکمیت و نظارت قوانین و احکام نیست. آیات قرآنی نیز در مورد شهادت، مرحله تحمل شهادت در دنیا، ادا و اظهار شهادت در صحنه قیامت را بیان فرموده است: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». (توبه: ۱۰۵)

در این آیه، صحبت از رؤیت اعمال به واسطه خداوند متعال، پیامبر و امامان معصوم است که با نظارت قوانین هماهنگ نیست؛ چون در نظارت قوانین، مراحل

دوگانه تحمل و اظهار وجود ندارد. اشکال دیگری که بر احتمال سوم هست، این است که بروز اعمال در صحنه قیامت، راجع به خود اعمال است و کفار و فاسقان بر اساس صورت اعمال خود محشور می‌شوند و سیمای آنان بر اعمال دنیوی دلالت می‌کند: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالْأَوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ». (الرحمان: ۴۱) آیات تجسم اعمال نیز همین مطلب را می‌رسانند که سیمای مجرمان بر اعمال آنان شهادت می‌دهد. شهادت امامان، امری مستقل است. وقتی صحنه قیامت برپا می‌شود، شهدا، مشاهدات دنیوی خود را اظهار می‌کنند: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ الْكِتَابُ وَ جِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ». (زمر: ۶۹) شهادت در این آیه، اظهار مشاهدات است و این که اعمال آشکار شوند و گواهانی مانند انبیا و دیگر شهدا نباشند، درست نیست.

۴ - جمع‌بندی و قول مختار

پس از نقد و بررسی نظریه‌های چهارگانه درباره فراز «فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ ذَرَأٍ وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ مَنْ جَحَدَ وَ كَثَرْنَا بِمَنِّهِ عَلَىٰ مَنْ قُلَّ»، برای روشن شدن و تبیین نظر صائب باید متعلقات گواهی شاهدان از دیدگاه قرآن و مراحل آن بیان شود.

۴. ۱. متعلقات گواهی

در این مقام، به آیات مربوط به صورت گذرا اشاره می‌شود:

الف) گواهی شاهدان به توحید

در آیات گوناگون، شهدا به توحید ربوبی و عبودی شهادت می‌دهند که به آن‌ها اشاره می‌شود.

خدای سبحان در این آیه: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (آل عمران: ۱۸) به وحدانیت خویش شهادت می‌دهد و فرشتگان و علمای راستین نیز به یگانگی او گواهی داده‌اند. به دلیل عظمت «مشهود به»، کلمه «توحید» یعنی «لا اله الا الله» در آیه تکرار شده و این به معنای تکرار شهادت است. پس این آیه دربردارنده دو شهادت از خدا و یک شهادت از فرشتگان و عالمان الهی است که شهادتشان میان دو شهادت خداوند آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۸۸/۱۳)

خداوند متعال، این شهادت را با فعل خویش که همان نظام عالم است، اظهار می‌کند و به طوری که از ظاهر آیه مورد بحث برمی‌آید، با قول خودش هم ادا کرده و فرموده است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ». پس آیه مورد بحث در مشتمل بودنش بر شهادت خدا بر یکتایی خود، نظیر آیه شریفه «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ، أُنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً» (نساء: ۱۶۶) است. (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵/۳)

(ب) گواهی شاهدان به رسالت پیامبر اسلام در برابر منکران
آیات فراوانی در حقانیت رسالت پیامبر اسلام وارد شده است که به برخی اشاره می‌شود:

۱- ۲. شهادت خداوند و «من عنده علم الكتاب» به رسالت پیامبر
خداوند، شهادت فعلی و قولی به حقانیت رسالت پیامبر داده است. شهادت فعلی، همان قدرت معجزه آوردن و کرامت‌های آن حضرت است که خداوند متعال، قدرت آوردن معجزه را به آن حضرت بخشیده است. از سوی دیگر، بشارت‌های انبیای پیشین به آمدن پیامبر، شهادت فعلی خداوند محسوب می‌شود. این امر در آیات قرآن آمده است: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ». (صف: ۶)

بشارت انبیای پیشین، همان شهادت فعلی خداوند متعال است؛ چون انبیا بدون اجازه خداوند سخنی نمی‌گویند. با این حال، شهادت قولی و کلامی خداوند در آیات گوناگونی آمده است که به برخی اشاره می‌شود: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً». (نساء: ۷۹)

آیه «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ أُنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً» (نساء: ۱۶۶)، پاسخ دیگری به درخواست اهل کتاب در بخش آغازین مجموعه سؤالات: «يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ» (نساء: ۱۵۳) است. خدای سبحان در برابر انکار عالمانه اهل کتاب، خود

و فرشتگان را گواه حقانیت پیامبر اسلام و راستی کتابش می‌شمارد و شهادت خویش را کافی می‌داند.

آیه «وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ؛ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (یس: ۳ - ۲) نیز شهادت قوی خداوند به رسالت پیامبر است.
در آیه «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (بروج: ۹)، عمومیت «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ» شامل نبوت نیز می‌شود.

۲- ۱- ۲. گواهی امامان معصوم به رسالت پیامبر

در قرآن کریم، آیاتی بر شهادت امام علی علیه السلام دلالت می‌کنند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) آیه ۴۳ سورة رعد

خداوند فرموده است: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ».

قراین متصل در آیه و قراین منفصل که در روایات فراوان از فریقین رسیده است، دلالت می‌کنند که مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، علی علیه السلام است که به رسالت پیامبر اسلام در برابر منکران نبوت آن حضرت شهادت داده است. تفسیر «البرهان فی تفسیر القرآن»، ۲۵ روایت ذیل آیه ۴۳ سورة رعد بیان کرده که محتوای آن‌ها دلالت می‌کند که مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، امامان معصوم هستند. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳۰۲/۲) روایاتی که «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را در مورد علی علیه السلام بیان کرده‌اند، بیان مصداق اکمل آیه هستند. در نتیجه، مصداق، منحصر نیست، بلکه شامل همه امامان معصوم می‌شود و جمله امام سجاد علیه السلام، مؤید خوبی بر این معناست.

ب) آیه ۱۷ سورة هود

خداوند می‌فرماید: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ».

بر اساس قراین داخلی آیه و روایات فراوان، مراد از «شاهد»، علی علیه السلام است که

شاهد حقانیت رسالت پیامبر اکرم است. بحرانی در ذیل آیه ۱۷ سوره هود، ۲۲ روایات از معصومین آورده که مراد از «شاهد»، علی علیه السلام و دیگر امامان است. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۲/۲۱۲)

ج) گواهی شاهدان به اعمال مردم
آیات فراوانی در مورد گواهان اعمال در قرآن کریم آمده است که برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱- ۱- ۳. شهادت گواهان به اعمال (خدا، پیامبر، امام، اعضای بدن، زمان و مکان، ملایکه، نفس عمل)

خداوند از همه اعمال موجودات باخبر است و در آیات بسیاری بر این امر تأکید کرده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ». (آل عمران: ۹۸)

خداوند در آیات مختلفی، انبیا را ناظر اعمال امت زمان خودشان معرفی کرده است و پیامبر اسلام را علاوه بر شهادت بر اعمال امت خود، شاهد اعمال شهدا برمی‌شمارد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (احزاب: ۴۵)
در آیات مختلف، شهادت امامان معصوم بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا». (بقره: ۱۴۳) قرینه متصل در آیه و قراین منفصل از روایات دلالت می‌کنند که مراد از «امت وسط»، امامان هستند.

در قرآن کریم، آیات مختلفی بر گواهی اعضای بدن انسان بر اعمال دلالت می‌کنند، چنان که می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَ قَالُوا لِمَ لَجُّودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ لَا أَبْصَارُكُمْ وَ لَا جُلُودُكُمْ وَ لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ». (فصلت: ۲۰ - ۲۲)

قرآن کریم از شهادت زمین چنین گزارش داده است: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا». (زلزله: ۴ - ۵).

خداوند در مورد شهادت ملایکه در مورد اعمال انسان‌ها می‌فرماید: «إِذْ يَتَلَفَّى

الْمُتَلَقِّينَ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ
وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ وَحِيدٌ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ
الْوَعْدِ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ. (ق: ۱۷ - ۲۱)

با توجه به نظریه تجسم اعمال که انسان‌ها بر اساس اعمال خودشان در صحنه قیامت محشور می‌شوند و خود اعمال بیانگر وضعیت شخص خواهد بود، چنین می‌فرماید: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَيِّمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ». (الرحمان: ۴۱)

باتوجه به این مطالب درمی‌یابیم:

۱. خداوند متعال، ملایکه و اولوالعلم بر توحید شهادت می‌دهند.
۲. با توجه به آیات یادشده، علی علیه السلام در برابر منکران رسالت پیامبر، به حقانیت رسالت شهادت می‌دهد.
۳. در هر زمان و عصری، حجت الهی (انبیا و امامان)، شاهد اعمال انسان‌هاست.
۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شاهد همه شهادت (که وظایف خودشان را در میان مردم انجام داده‌اند. از قبیل رسالت نبوی و امامت اوصیای خودشان تا حجت در روز قیامت بر مردم تمام شود).
۵. خدا، انبیا، اوصیا، ملایکه، اعضای بدن انسان، زمین و زمان، شاهد اعمال انسان هستند.

۲-۴. مراحل شهادت

شهادت در دو مرحله محقق می‌شود:

مرحله اول - مرحله تحمل و حفظ

آیاتی در قرآن، ناظر به مرحله تحمل شهادت هستند، به این معنا که شاهدان، صحنه حادثه را می‌بینند و حفظ و تحمل می‌کنند، مانند آیه ۱۴۳ سوره بقره: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و به این گونه، شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» یا آیه ۴۱ سوره نساء: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا؛ پس چگونه است [حالشان] آن گاه که از هر امتی،

گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟» و دیگر آیات مشابه که به تحمل شهادت دلالت دارند.

مرحله دوم - مرحله اظهار و ادای شهادت

شاهدان هر آن چه را در دنیا دیده اند، در صحنه قیامت بیان می کنند. آیاتی از قرآن، ناظر به مرحله بیان و اظهار شهادت است، مثل آیه ۱۸ سورة آل عمران: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ خدا که همواره به عدل قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می دهند که] جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.» و آیه ۴۳ سورة رعد: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؛ و کسانی که کافر شدند، می گویند: «تو فرستاده نیستی.» بگو: «کافی است خدا و آن کس که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما گواه باشد.» یا آیه ۱۷ سورة هود: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ؛ آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهی از [خویشان] او، پیرو آن است.» یا آیات ۲ و ۳ سورة یس: «وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ؛ إِنَّكَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ؛ سوگند به قرآن حکمت آموز؛ که قطعاً تو از [جمله] پیامبرانی.» شهادت قولی و فعلی خداوند به توحید و رسالت در دنیا به معنای اظهار و ادای شهادت است.

۳ - ۴. تحلیل سخن امام سجاد علیه السلام

در این مقاله، عمده بحث درباره جمله «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ مَنْ جَحَدَ» است که برای اثبات نظریه مختار، بحث را این گونه پی می گیریم:

۴. تحلیل لغوی و ادبی

۴ - ۱. شهدا

«شهدا»، جمع «شهید» بر وزن «فعلیل» به معنای اسم فاعل است. بنا بر این، کسی که بر چیزی شهادت دهد، یعنی آن چیز را دیده است. پس او، شهید و شاهد است. (مدنی، ۱۴۱۵: ۴۴۷/۱) شهود و شهادت به معنی حضور و معاینه است

و در صحاح، مشاهده را «معاینه» گفته است. در مفردات می‌گوید: «شهود در معنی حضور و شهادت در معنی دیدن و معاینه اولی است».

«مَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ». (بقره: ۱۸۵) هر که در ماه رمضان حاضر باشد و مسافرت نکند، آن را روزه بدارد. «وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». (نور: ۲) در عذاب و تنبیه مرد و زن زناکننده، جمعی از مؤمنان حاضر باشند و آن را ببینند. «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ». (فرقان: ۷۲) (قرشی، ۱۳۵۳: ۷۵/۴)

۴-۲. جحد

«جحد» حقه یجحد جحدا و جحودا از باب منع است یعنی آن چیز را انکار کرد و انکار در جایی اطلاق می‌شود که انکارکننده به حقیقت علم داشته باشد. (مدنی، ۱۴۱۵: ۴۴۷/۱) در قرآن کریم نیز «جحد» به معنای انکار با علم آمده است: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ». (نمل: ۱۴) (قرشی، ۱۳۵۳)

۴-۳. «عَلَى»

«عَلَى»، دو قسم است؛ حرف جرّ و اسم به معنای «فوق» و دارای شرایط استعمالی خاصی است. «عَلَى» حرف جرّ، دارای تهُ معناست که چهارمین معنای آن، تعلیل است، مانند «لام» تعلیل که دلالت بر علیت مابعد برای انجام فعل ماقبل دارد، مانند قول خداوند متعال درباره مهلت دادن به کسانی که نمی‌توانند همه ماه رمضان را روزه بگیرند: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» خدا برای شما آسانی را اراده کرده است و برای شما سختی را اراده نکرده است و تا این که بقیه روزه گرفته نشده را در ایام دیگری کامل کنید و تا این که خدا را به عظمت یاد کنید به دلیل هدایت شما به واسطه او». (بقره: ۱۸۵) (ابن هشام، ۱۹۷۹: ۱۸۹؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۴۵۲/۱)

در عبارت دعای امام سجاده علیه السلام، حرف «عَلَى» به معنای تعلیل است که همان معنای «لام» تعلیل را می‌رساند. بنا بر این، در جمله «جعلنا شهداء على من جحد»، ما بعد «عَلَى»، علت برای ماقبل است، مثل «کی ناصبه» که نوعی از تعلیل ماقبل به مابعد را می‌رساند، مثل «اسلمت کی ادخل الجنة»؛ پذیرش اسلام، علت

دخول به بهشت است که حرف «کی»، نوعی از تعلیل را می‌رساند. در سخن امام سجاد علیه السلام، «عَلَى» تعلیل مابعد «عَلَى» علت جمله ماقبل است. خداوند به جهت منکران رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ما را شاهدان رسالت آن حضرت قرار داد تا حجت بر منکران تمام شود، مثل آیه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». (رعد: ۴۳) انکار منکران رسالت، فعلی است. پس شهادت هم باید فعلی (ادای شهادت) باشد تا حجت بر منکران تمام شود. در آیه ۱۷ سوره هود یعنی «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» نیز مراد از بیئه، معجزات پیامبر و مراد از شاهدی که از خود پیامبر باشد، علی علیه السلام است. روایات فراوان و جمله امام سجاد علیه السلام دلالت می‌کنند که دیگر امامان معصوم نیز داخل آیه ۱۷ سوره هود و آیه ۴۳ سوره رعد هستند.

تحلیل متنی

شهادت در دو مرحله محقق می‌شود:

الف) مرحله تحمل و حفظ

ب) مرحله ادا و اظهار

باید روشن شود که تعبیر «شهدا» در عبارت «جعلنا شهداء علی من جحد»، کدام قسم از شهادت است تا ادعای ما اثبات گردد:

قراین متصل

قراین متصل در متن دعا نشان می‌دهد که مراد از شهدا، گواهان در اظهار و ادای حقانیت رسالت پیامبرند؛ چون گواهی به حقانیت رسالت آن حضرت در برابر انکار منکران رسالت پیامبر قرار دارد. چون انکار منکران، امر فعلی است، اثبات حقانیت نیز باید فعلی باشد تا دو جمله با هم سازگار شوند. اگر جمله نخست، انکار فعلی و جمله دوم، گواهی بر حقانیت در صحنه قیامت باشد، در این صورت، دو جمله بی‌ربط و حجت بر منکران تمام نمی‌شود و امام معصوم از بیان دو جمله ناهماهنگ، برتر و منزّه است.

از سوی دیگر، در بحث ادبی جمله دعا گذشت که حرف «علی» به معنای «لام تعلیل» است یعنی علت شهادت امامان معصوم، انکار منکران رسالت است تا

حجت بر منکران رسالت اثبات و کامل شود. با توجه به این که معلول از علت جدا نمی‌شود، پس هنگامی که علت (انکار منکران) امر فعلی است، معلول (شهادت به معنای ادا و اظهار حقانیت رسالت پیامبر) هم باید فعلی باشد. به عبارت دیگر، حقانیت رسالت پیامبر علاوه بر داشتن معجزه و شهادت خداوند متعال، شهادت امامان را هم به دنبال دارد تا دلایل نبوت بر کافران کامل گردد، مثل آیه ۱۷ سوره هود که با وجود بیّنه، شاهدی از خود پیامبر است: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ».

قراین مفصل

دلایل قرآنی و عقلی دلالت می‌کنند که برای اثبات رسالت پیامبر باید شهادت، فعلی و به معنای اظهار شهادت باشد و حفظ و تحمل شهادت، کافی نیست. مثل آوردن معجزه از طرف پیامبر که در دنیا در برابر کفار، معجزه قرآن و دیگر معجزات را ارائه کرد تا حقانیت نبوت و رسالت اثبات شود. شهادت خدا نیز به حقانیت رسالت، در دنیاست، مانند: «وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ؛ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (یس: ۲ - ۳) یا «أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (نساء: ۷۹) و «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ». (منافقون: ۱)

شهادت «من عنده علم الكتاب» به همراه خداوند نیز در دنیاست تا اثبات حقانیت و اتمام حجت شود: «وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». (رعد: ۴۳)

علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «اگر شهادت را به معنای شهادت تحمل بگیریم، به کلی، معنای آیه (رعد: ۴۳) را فاسد نموده‌ایم؛ چون شهادت تحمل به معنای دیدن و ناظر بودن و علم داشتن به «ما وقع» است و معنا ندارد که مسئله مورد بحث یعنی صدق رسالت آن جناب را به علم خدا ارجاع داده و علم خدا را حجت علیه خصم بدانیم؛ زیرا خصم راهی به علم خدا ندارد تا بفهمد آیا رسول خدا ﷺ در دعوی خود درست می‌گوید و یا به خدا افترا می‌بندد». (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۸۴/۱۱)

الوسی، شهادت در آیه ۴۳ سوره رعد را شهادت در آخرت دانسته و تحمل آن را



در دنیا گفته است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۱۳) علامه آن را با دلیل متقن، مردود شمرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۸۵/۱۱) وی در ذیل بحث آیه ۱۷ سوره هود، شهادت شاهد را ادای دانسته و اقوال مخالف را با دلایل متقن نقد کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۸۴/۱۰)

همچنین حدیث ثقلین که متواتر بین مسلمانان است، مثبت مدّعی ماست که پیامبر فرمود: «إِنِّي أَوْشِكُ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبَ وَ إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ ﷻ وَ عِترتی كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِترتی أَهْلُ بَيْتِي وَ إِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، فَأَنْظُرُونِي بِمَا تَخْلُقُونِي فِيهِمَا». (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲۳۵/۱) در این حدیث متواتر، اتحاد و عدم افتراق قرآن و اهل بیت بیان شده است. قرآن، حجت و معجزه پیامبر در برابر منکران است. اهل بیت نیز چنین هستند. اگر اهل بیت در برابر منکران، شاهد نباشند، مستلزم افتراق و انفکاک از قرآن است که مخالف حدیث ثقلین است.

چون قرآن، معجزه فعلی پیامبر در برابر منکران رسالت است: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»، با انضمام حدیث ثقلین به آیه ۱۷ سوره هود و آیه ۴۳ سوره رعد نتیجه می گیریم که شهادت امامان معصوم مثل بیّنه (قرآن) در دنیا بیان می کنند و برای آخرت نمی ماند. در غیر این صورت، بین قرآن و اهل بیت، جدایی و تفکیک ایجاد می شود. (قرآن، معجزه اثبات رسالت پیامبر در دنیا است و اهل بیت، گواه حقانیت رسالت در برابر انکار منکران در دنیا است و این مطلب با شاهد اعمال بودن امامان معصوم در آخرت منافات ندارد).

پس دلیل لَبّی و عقلی هم قرینه منفصل برای اثبات فعلی بودن شهادت امامان است. چون ادعای نبوت از سوی پیامبر انجام گرفته است و در مقابل آن حضرت، گروهی از مشرکان، منکر رسالت هستند؛ حضرت برای اثبات رسالت خود، دلایل متنوعی اقامه می کند که یکی از آن ها، شهادت امامان یعنی مَنْ «عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد: ۴۳) و «شَاهِدٌ مِنْهُ» (هود: ۱۷) است. امام سجاد (ع)، شهادت برای اثبات رسالت را نعمتی از سوی خدا به خودشان معرفی می کند که تنها در صورت فعلی بودن و اظهار کردن معنا پیدا می کند.

۵ - نتیجه گیری

با تحلیل فراز «فَحْتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ كَثَرْنَا بِمَنْهُ عَلَى مَنْ قُلَّ» در دعای دوم صحیفه سجادیه روشن شد که هر سه جمله به امامان معصوم اشاره دارد و منظور از شهادت، بیان حقانیت رسالت پیامبر اکرم ﷺ در برابر منکران رسالت است و این شهادت به معنای بیان حقانیت رسالت است و منظور، علم به حقانیت نیست؛ چون صرف علم آنان به حقانیت رسالت و ادای آن در صحنه قیامت، حجتی برای منکران نمی شود.

این فراز، ناظر به آیه ۴۳ سورة رعد و آیه ۱۷ سورة هود است و منظور از آن، شهادت به اعمال، امت وسط و الگوی دیگران شدن نیست که شارحان گفته بودند. از این رو، دلایل ایشان مخدوش است و با دلایل مختلف از متن و فرامتن، اقوال شارحان، ناتمام اعلام گردید و قول به شهادت در دنیا به معنای اظهار شهادت اثبات شد. این امر در ردیف دلایل حقانیت رسالت پیامبر اکرم ﷺ هم چون معجزه است. همان طوری که معجزه آن حضرت در برابر منکران رسالت، در دنیا محقق بود، شهادت امامان معصوم نیز در دنیا واقع شده است. هم چنان که بینه در آیه ۱۷ سورة هود در دنیا در برابر منکران رسالت اقامه شده، شهادت معصومین در برابر منکران رسالت در دنیاست و شهادت آنان به معنای بیان گواهی است. در غیر این صورت، تفکیک قرآن از عترت و اهل بیت لازم می آید و آن نیز باطل است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه سجادیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۴. ابن هشام الانصاری، جمال الدین، (۱۹۷۹م)، مغنی اللیب عن کتب الاعراب، تبریز.



۵. انصاریان، حسین، (۱۳۷۳ش)، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه، تهران: پیام آزادی.
۶. آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. بحرانی، سید هاشم، (۱۳۳۴ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: آفتاب.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ش)، تسنیم، قم: اسراء.
۹. راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۹۲ق)، معجم مفردات الفاظ القرآن، قم: اسماعیلیان.
۱۰. سیوطی، جلال الدین ابوبکر، (۱۳۸۵ش)، البهجه المرضیه فی شرح الألفیه، قم: دارالهجره.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۹۱ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: اسماعیلیان.
۱۲. فهری، سید احمد، (۱۳۸۸ش)، شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، تهران.
۱۳. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۵۳ش)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. قمی، شیخ عباس، (۱۴۳۱ق)، مفاتیح الجنان، مشهد: منشورات مکتبه الامام الهادی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷ش)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الانمة الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. مدرسی چهاردهی، نورالدین، (بی تا)، شرح صحیفه سجادیه، ترجمه: احمد پاکتچی، تهران: منشورات المکتبه المرتضویه.
۱۸. مدنی، سید علی خان، (۱۴۱۵ق)، ریاض السالکین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۹۹ق)، فی ظلال الصحیفه السجادیه، سوریه: دار التعارف للمطبوعات.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ش)، پیام قرآن، قم: مدرسه امیرالمؤمنین (ع).
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۹۷ش)، عرفان اسلامی (شرح جامع بر صحیفه سجادیه)، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۲. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، (۱۳۸۳ش)، شهود و شناخت شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، قم: بوستان کتاب.
۲۳. موسوی حسینی شیرازی، محمدباقر، (۱۳۸۵ش)، لوامع الانوار العرشیه فی شرح الصحیفه السجادیه، اصفهان: مؤسسه فرهنگي مطالعاتی الزهراء (ع).